رجال علم و دین‏ شرح حال مرحوم میرزای قمی رضوان اللّه‏ علیه

جریان حال و مقال میرزا با علماء معاصرینش

میرزا و سید بحر العلم رضوان الله علیه-صاحب قصص العلماء می‏ نویسد:در دو سالیکه این فقیر مؤلف کتاب بعیبات عالیات مشرف شدم از کاظمین تا به سامراء با آخوند ملا زین العابدین همسفر و در سر من رای نیز در یک منزل‏ اقامت کردیم و آخوند ملا زین العابدین از احوال بحر العلوم بیان میکرد و میگفت که‏ من در خدمت بحر العلوم تلمذ میکردم و همیشه بهر جا که میرفت در رکاب آن جناب‏ بودیم و در وقتی از اوقات در خدمت بحر العلوم به سر من رای آمدیم و چند روز در آنجا اقامت داشتیم و از قضایای اتفاقیه میرزای قمی اقامه اللّه محل کرامته بزیارت‏ سامراء آمده و روزی بدیدن بحر العلوم آمد و میرزا اسن از بحر العلوم بود پس‏ نشستند میرزا به بحر العلوم گفت که مجلس را زمانی خلوت کرده که مرا با شما حکایتی‏ در خلوتست پس مجلس خالی شد آ·وند ملا زین العابدین گفت که من خواستم برخیزم‏ چون بحر العلوم را با من محبت بسیاری بود گفت که او از خصیصین من است و محرم‏ اسرار است بعد از اینکه مجلس خلوت شد میرزا به بحر العلوم گفت که میخواهم از خفایای اسرار برای من باین نمائی که از آن متلذذ شوم بحر العلوم گفت که در عالم واقعه در سوابق ایام در خواب دیدم در خدمت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام للّه‏ علیها مشرف شدم پس جده بزرگوارم از کاسه آش بمن خورانید که هرگز بدان‏ صفت آش نخورده بودم بسیار بالذت بود و هرگز ندیده بودم تا آنکه بعد از مدتی‏ بزیارت خراسان مشرف شدم در نیشابور میزبان،آش آورد بنظرم از صنف همان‏ آش آمد که درخواب خورده بودم و شباهت بآن آش داشت از میزبان پرسیدم این‏ آش چه نام دارد گفت در این بلد او را آش فاطمه میگویند مجددا پس از خوردن‏ آش جده‏ام فاطمه در خواب بمن فرمود که آیا میخواهی بزیارت جدت مشرف‏ شوی عرض کردم بلی نهایت آمالم همین است پس صدیقه کبری مرا برداشته داخل خانه شد من‏ بر در خانه ایستاده دیدم که پیغمبر صلی اللّه علیه و آله در صدر خانه نشسته است و امیر المومنین‏ علیه السلام در دو در نشسته است پس من سلام کردم حضرت رسول(ص)فرمود بنشین من با خود خیال‏ کردم که هرجا بنشینم بالاتر از مکان امیر المومنین علیه السلام میشود زیرا که آن جناب در دم در نشسته است پس بخیالم رسید که باید در کنج خانه نشست برای اینکه‏ اگر از صدر مجلس خط مستوی تا دم در بکشند و خط دیگر از صدر تا گنج خانه بکشند آن خطیکه بکنج میرود بلندتر است از خطی که بدم در میرود پس در بالاتر از کنج خواهد بود پس آنجائیکه امیر المومنین 4 نشسته بالاتر و نزدیکتر به پیغمبر است از آن خط که بکنج رفته و او پست‏تر و دورتر به پیغمبر است پس باین‏ خیال در کنج خانه نشستم رسول خدا ص چون چنان دید تبسم فرمود و گفت ای‏ فرزند خیال تو صواب بود پس از رسول خدا ص سؤالی چند کردم و جواب شنیدم‏ میرزای قمی گفت آن سؤال و جواب چه بود بحر العلوم گفت آنها را نخواهم ابراز و اظهار کرد هرچه میرزای قمی اصرار در ابراز آن نمود آن جناب در اخفاء و انکار افزود»

میرزا و سید علی صاحب ریاض رحمة الله علیه-جریان حال و مقال مرحوم میرزا رحمة اللّه علیه را با صاحب ریاض بنا بگفته صاحب کتاب‏ روضات الجنات نقل مینمائیم ترجمه گفتار او چنین است:

بین میرزا و صاحب ریاض مخالفت و منافرت زیادی بود در مسئله زبیب‏ (کشمش)مطبوخ و میرزا قائل بحرمت شمش بود که در آبگوشت(مرق)و طعام‏ پخته(طبیخ)قبل از ذهاب ثلثان(بخار شدن دو ثلث)باشد و قائل به نجاست‏ آن هم بود مثل ماء العنب اما صاحب ریاض قائل به حلیت و طهارت آن بود.چنین‏ اتفاق افتاد در سفری که میرزا به ارض حائر(کربلا)برای زیارت مشرف‏ شده بود صاحب ریاض او را مهمان نمود چون سفره گسترده شد و طعام حاضر گردید میرزا دست خود را دراز کرد از طعامی که از جمله اطعمه بود تناول نماید لقمه‏ای‏ در دهان گذاشت لقمه را در دهان گذاشته یا نگذاشته احساس نمود که کشمش جوش‏ آمده(زبیب مغلی)در این غذا است رنگ صورتش تغییر یافت و از جای برخاست‏ تا دست خود را بشوید و بسوی سید آمد و با عناب بوی گفت بارک اللّه باین مهمانی و اکرامت‏ که ما را اذیت میکنی و نجس بما میخورانی و دیگر دست به طعام دراز نکرد برای مزید فائده فتوی مرحوم میرزا را در کتاب جامع الشتات در خصوص«زبیب مغلی»نقل مینمائیم: س.چه میفرمائید که کشمش را با روغن داغ ننموده میتوان در طعامی‏ که او را بجوش میآورد ریخت یا نه؟ج-هرگاه در میان برنج گذارند بعد از آب‏ کشیدن آب آن به بخار که پخته میشود با کی نیست و اما هرگاه در میان آشهای روان‏ بجوشد بحدی که معلوم شود که شیرهء آن بیرون آمده و بجوش آمده حقیر آن‏ را نیمخورم سؤال-بععرض میرساند که در سال قبل در خصوص مسئله کشمش استفاده‏ نموده بودم که در میان آش و یخنی بجوشد فرموده بودید که من نمیخورم علممای‏ ولایت بعرض میرسانند که سبب نخوردن ملازمان عالی چه چیز است با ادله بیان فرمائید مروج سید الشهداء جواب-بدانکه اقوای در نزد حقیر اینست که عصیر زبیبی بعد از غلیان حرام میشود و بعد از ذهاب ثلثین حلال میشود و این قول جمعی است از علمای سابقین و لاحقین و ادله بر آن بسیار است و منحصر نیست دلیل در مفهوم روایت‏ علی بن جعفر که مجال طعن در آن باشد و ذکر ادله را با بسط وجهی در کتاب‏ مناهج الاحکام کرده‏ام و در اینجا هم سؤال سائل از عصیر زبیبی نیست بلکه اشکال‏ او در اینست که زبیب درست هرگاه درمیان آش و آب بجوشد چرا حرامست و اینرا عصیر نگویند و تقریر حقیر در جواب مسئله سابقه باین نحو که حقیر نمیخورم‏ اشاره بهمین است چنانکه مکرر معصومین علیهم السلام در بعضی مکررات فرموده‏ اند که خودم نیمخورم و اهل و عیال خود را منع میکنم ولکن حرام نمیکنم چنانکه‏ در خاطرم هست که بهمین مضمون وارد است و انیکه گفتم در وقتی است که معلوم‏ شود که طعم مویز و شیره آن بیرون آمده و در آب بجوش آمده بلکه قول بحرمت‏ آن در اینصورت در کمال قوه است زیرا که عصیر زبیب نه از باب عصیر انگور است که زبیب را بیفشرند و آب آن بیرون آید بلکه عصیر آن اینست که آنرا میگویند و در آب میمالند تا شیرهء آن بیرون میآید و همان شیره است که هرگاه بجوش‏ آمد حرامست و در یان معنی قرقی نیست ما بین اینکه به نهج مزبور شیره آنرا بگیرند یا در میان آب بهمان حالی که هست بخیسانند و بمالند تا آن آب از شیره آن‏ شیرین شود و این صورت هم مثل صورت اول است در اینکه همین آب هرگاه بجوش‏ آید حرام میشود بلکه در بسیاری از اخبار تصریح شده بهمین و باکی نیست که‏ ما بعضی آنها را ذکر کنیم تا هم دلیل اصل حرمت عصیر زبیبی معلوم شود و هم همین قسم خاص.... صاحب روضات در تعقیب قضیه فوق مینویسد که صدر الدین موسوی عاملی ره چنین‏ بیان کرد که در این ایام صاحب ریاض در مناظره بمیرزا تنگ میگرفت در مسائل‏ فقه و اصول و بمن میگفت در هر مسئله‏ای میخواهی با این مرد صحبت کن تا بدانی‏ که چیزی نیست و من ترا از او یقینا افضل می‏بینم یا کلامی نزدیک بدین کلام‏ صاحب روضات میگوید بعید نیست که عقیده صاحب ریاض درباره میرزا چنین باشد زیرا میرزا خیلی کم حافظه بود و بر او باسی نبوده چون حدیث نبوی وارد شده که‏ کمتر خبری که باین امت داده شده قوه حافظه و صباحت منظر میباشد

و ظاهرا اگر کسی کم‏حافظه باشد مراتب فضل و فهم او پوشیده است و اگر علامه زمان باشد مواهب ذهن و قریحه‏اشت پوشیده است برخلاف کسیکه قوه حافظه‏اش‏ بر قوه متصرفه‏اشت برتری داشته باشد غالبا اعجوبه خواهد شد و ظاهرا در مناظره‏ مشهور میشود بار نقل شده ککه در مجلسی از مجالس جدل بین ایشان سید بروی میرزا فریاد میکشیده و بر روی زانو بلند شده و میجهیده و میگفته بگو تا بگویم میرزا با صدای آهسته جواب میداده بنویس تا بنویسم.